



عکس: سانا ز صفائی / شهرآرا

گفت وگو با بانو سکینه سادات پاد  
وکیل پایه یک دادگستری و فعال حقوق بشر

## چشم انداز روشن و حمایت های ویژه از زنان

۴

شهرآرا

شهربانو

۸۱

۸ صفحه ویژه بانوان مشهد | شماره ۳۵۴۷ روزنامه شهرآرا

۱۴۰۰ ۰۹ ۱۵

۲شنبه

نقش  
تعاونی ها  
در کارآفرینی  
زنان

۲

زن مسلمان  
آراسته به  
کرامت

نگاه اسلام به زنان «عالمانه» است

۳



شب‌نم کرمی  
روزنامه‌نگار

( آفاق )

## مادران و دوگانه نظارت و استقلال دختران نوجوان

پس از یک سال تلاش فراوان و بی‌وقفه، پدر فقط به شرط همراهی مادر اجازه داده بود دختر نوجوان مستعدش در مسابقات تیم ملی حضور پیدا کند. دختر نوجوان دیگری تنها به شرط حضور مادر در کنارش، اجازه یافته بود در جشن تولد هم کلاسی اش شرکت کند. آن دختر نوجوان دیگر با وجود میل فراوانش نتوانسته بود با برنامه هفتگی کوه‌نوردی دوستانش همراهی کند، زیرا مادر نمی‌توانست کوه‌نوردی کند و دختر هم اجازه نداشت تنها برود.

همه ما موضوعاتی از این دست را مشاهده کرده‌ایم یا با آن دست‌به‌گریبانیم. این رفتارها شاید از دید والدین طبیعی و بحق باشد اما بیشتر وقت‌ها از نگاه نوجوانان آزاردهنده و خجالت‌آور به حساب می‌آید.

این موارد نشان می‌دهد علاوه بر دختران، مادران نیز نیازمند دریافت آموزش و آگاهی برای حفظ ارتباط دوستانه با فرزندان‌شان در سنین مختلف هستند. البته پسرها و دخترها هر یک نیازهای روانی ویژه خود را دارند و با توجه به علایقشان، رفتارهای خاصی هم دارند. بنابراین با شناخت مناسب از خواسته‌های فرزندان، می‌توانیم آن‌ها را به سوی مسیر درست‌تری هدایت کنیم.

دختر نوجوانی که همواره به همراه مادر و پدر در بیشتر امور جدی، تفریحی یا رویدادهای اجتماعی زندگی اش ظاهر می‌شود، خود و هم‌گروهی‌هایش را معذب و در بند می‌داند. او دیگر کودک نیست و نیازمند حفظ استقلال است. از سوی دیگر، با توجه به ناامنی‌های جامعه، نمی‌توان برای والدین نسخه‌ای پیچید که بر اساس آن، فرزند نوجوان خود را آن‌هم در حساس‌ترین دوره سنی کاملاً رها کند. دختر نوجوان به دنبال شناخت خویشتن در همه حوزه‌های زندگی و دست یافتن به یک هویت مستقل است. انتخاب محدوده آزادی می‌تواند یکی از سخت‌ترین وظایف پدرها و مادرها باشد. در سنین نوجوانی، دوستان و هم‌سالان برای فرد اهمیت بسیاری پیدا می‌کنند تا جایی که ممکن است نوجوان برای پذیرفته شدن و احساس تعلق، شبیه شدن به آن‌ها را انتخاب کند. بنابراین فراهم کردن امکان استقلال بیشتر همراه با نظارت صحیح و متعادل می‌تواند در این زمینه مؤثر باشد.

دختران نوجوان از ترس مخالفت‌های والدین ممکن است در باره رابطه‌ها، محل قرار یا برنامه‌های خود دروغ بگویند. از این رو، بهتر است به آن‌ها اجازه دهیم با دوستان‌شان قرار بگذارند، به شرط اینکه بدون چسبیدن به آن‌ها دقیقاً بدانیم با چه کسانی و کجا می‌روند.

ارتباط نزدیک و صمیمانه والدین و فرزندان سبب می‌شود فرزندان نیازهای اطلاعاتی خود را در منزل و با راهنمایی‌های پدر و مادر به دست آورند و از پناه بردن به دامان دوست و راهنماهای فاقد صلاحیت بی‌نیاز باشند. اینجا نقش مادر در تربیت فرزندان به‌ویژه دختران نوجوان اهمیت ویژه‌ای دارد که نباید ساده‌انگارانه از کنار آن گذشت. در این میان، به‌ویژه راهنمایی و کمک به دختران، به دلیل حساسیت‌های روحی و مسئولیت‌های سنگین زندگی آینده، دقت و توجه ویژه‌ای می‌طلبد.

رابطه مادر و دختر هم‌زمان با رشد دختر به‌ویژه در دوران نوجوانی متحول می‌شود و اختلاف‌نظرها با مادر به سبب تغییرات دوران بلوغ بیشتر می‌شود، زیرا نوجوانی دوره‌ای همراه با بحران‌ها و تعارض‌هایی برای دختران است. بحران هویت اصلی‌ترین کشمکش است که نوجوان در درون خود احساس می‌کند که این موضوع حساسیت‌های مراقبت از دختر نوجوان را به‌مراتب بیشتر می‌کند. برخی مادران تلاش می‌کنند بر همه کارها و برنامه‌های دخترشان همانند کودکی او نظارت کنند. درحالی‌که در نظر گرفتن سن تربیت کودک و نوع برخورد با او در هر مرحله رشد اهمیت بسیاری دارد. رفتارهای کنترل‌گرانه باعث مخالفت و اعتراض دختر نوجوان می‌شود. دختران نوجوان خواهان آزادی‌های بیشتری هستند و کنترل و نظارت افراطی مادران می‌تواند با لجبازی و سرکشی آن‌ها همراه شود. بنابراین مادران بهتر است درک کنند که دختران نوجوان‌شان بیش از گذشته به حریم خصوصی و آزادی نیاز دارند. رابطه مادر و دختر اگر بر اساس اعتماد شکل گیرد، دخترانی پایبند به چهارچوب‌های خانواده تربیت خواهند شد. مادران با در پیش گرفتن روش‌های تربیتی مناسب و تربیت جنسی، دختران خود را برای ورود به اجتماع آماده می‌کنند. شما بی‌شک با دختر خود خیلی حرف‌ها می‌زنید. در ذهن یک دختر نوجوان، موضوعات فراوانی هست که برای حل بسیاری از آن‌ها نیاز به کمک و راهنمایی دارد. اگر درست نمی‌دانید که با دخترتان درباره چه مسائلی باید صحبت کنید، بی‌گمان باید از یک فرد آگاه که می‌تواند مشاور و روان‌شناس هم باشد کمک بگیرید.



## شهربانو

۲۳ شهریور  
۱۵ آذر ۱۴۰۰  
اجمادی‌الاول ۱۴۴۴ شماره ۲۵۲۷

( ۲ )



نازنین محمدرضا‌زاده  
دکتری اقتصاد

( پرتو )

## نقش تعاونی‌ها در کارآفرینی زنان

دغدغه درآمدزایی در منزل برای بانوان به‌ویژه در دهک‌های درآمدی پایین و اقشار آسیب‌پذیر، از مواردی است که به‌تکرار در این سال‌ها که کشور در وضعیت بحرانی اقتصادی قرار دارد، بر سر زبان‌ها بوده و باعث شده است افراد با هر شرایط رفاهی و امکانات دنبال راهی برای راه‌اندازی یک کسب‌وکار و منبع درآمد باشند. آمارهای اقتصادی نشان‌دهنده آن است که نرخ حضور و مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی ۶۰ درصد است، یعنی به ازای هر ۶ مرد، یک‌زن در فعالیت‌های اقتصادی مشارکت می‌کند و این به معنی غیرفعال بودن نیمی از جمعیت ماهر کشور است. با توجه به نقش زنان در تحکیم بنیان خانواده و ضرورت حمایت از زنان سرپرست خانوار و بدسرپرست با محوریت و اولویت خانواده‌شان و استفاده از ظرفیت مهارت زنان در حاشیه شهرها و روستاها، همچنین با در نظر گرفتن محدودیت‌های فرهنگی درون خانواده، برنامه‌های حمایتی برای هدایت آن‌ها به سمت شروع اشتغال خانگی و کسب درآمد باید به‌شیوه‌ای باشد که ضمن توجه به محدودیت‌ها و اوضاع هر گروه در خانواده، استعداد هر گروه را شناسایی و آن‌ها را در راستای مهارت تخصصی و استعدادشان مشغول به کسب درآمد و اشتغال به‌صورت گروهی و تخصصی کند. عموماً کسب‌وکارهای مشاغل خانگی زنان با مشکلات مشابه و فراوانی روبه‌روست. اما به دلیل نداشتن توان مالی و علمی بیشترشان پایداری ندارند و با ضررهای روحی و مالی اعضای آن روبه‌رو می‌شوند. این مشکلات در ۴ طبقه روان‌شناختی، جامعه‌شناختی، اقتصادی و نهادی طبقه‌بندی شده است. راه حل پیشنهادشده برای حمایت از پایداری اشتغال خانگی زنان این است که پس از کشف استعداد و مهارت آن‌ها در یک منطقه شهری یا روستایی، آن‌ها را در قالب تشکلهای تخصصی مهارتی گروه‌بندی و سرمایه‌های کوچک و خردشان را برای تجهیز زیرساخت‌ها و ابزارهای موردنیاز یک کارگاه تولیدی کوچک برای خودشان سرمایه‌گذاری کنیم. همچنین، با استفاده از راهبر شغلی در هر گروه، آموزش‌ها و مشاوره‌های لازم برای رویارویی با مشکلات به آن‌ها داده می‌شود. تعاونی‌ها به‌عنوان تشکلهای مردمی و با هدف رفع محرومیت، فقرزایی، بهبود شرایط کار و گسترش عدالت اجتماعی بنا شده‌اند و می‌توانند در سامان‌دهی مشاغل خانگی نقشی مؤثر ایفا کنند. این تشکلهای مردمی با افزایش توانمندی‌های زنان، سبب قدرت‌بخشی به آنان برای ایفای نقشی برجسته‌تر در تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌های اجتماعی می‌شود. تعاونی‌ها در گرایش‌های مختلفی از جمله تولیدی، توزیعی و خدماتی فعالیت می‌کنند و تولیدات اصلی آن‌ها در حوزه‌های خدمات، صنایع غذایی، صنایع دستی، گلیم و فرش دست‌باف و کشاورزی است. با توجه به وجود شبکه‌های افقی و عمودی در ساختار تعاونی، این تشکل زیرساخت‌های لازم و بهینه از مرحله تولید تا عرضه محصول را فراهم می‌کند. برخی مزیت‌های ساختار تعاونی برای سامان‌دهی مشاغل خانگی بانوان به شرح زیر است: ایجاد شخصیت حقوقی برای صاحبان مشاغل خانگی، امکان اعطای هدفمند و نظام‌مند تسهیلات و کمک‌های مالی به شاغلان، سهولت بهره‌مندی شاغلان از مزایای بیمه تأمین اجتماعی، ایجاد زمینه حضور مؤثر نمایندگان شاغلان خانگی برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های ملی و منطقه‌ای، اعمال مدیریت واحد ملی و منطقه‌ای بر تهیه و توزیع نهاده‌های تولید، امکان بازاریابی، بازاریابی و فروش کالاهای تولیدی با استفاده از ساختارهای موجود، هماهنگی با سایر تشکلهای مرتبط با فعالیت (اتحادیه‌های صنفی) و همچنین امکان نظارت و استانداردسازی کالا و خدمات تولیدی.

# زن مسلمان آراسته به کرامت

نگاه اسلام به زنان «عالمانه» است



عکس: نژادینا است

✚ اگر به ۲ واژه «برابر» و «مساوی» درباره زن و مرد دقت کنیم و تمایز این ۲ واژه را درک کنیم، به نگاه و نظر اسلام به جنس مؤنث پی می‌بریم. «برابر» برای زن و مرد یک واژه عادلانه و مطلوب با طبیعت ذاتی آن هاست در حالی که تساوی بین زن و مرد امکان‌پذیر نیست. اگر زنان مشابه مردان بودند، ضرورتی برای آفرینش جنس دیگری نمی‌بود. این در حالی است که حتی زنان با زنان و مردان با مردان مشابه نیستند. اسلام به زنان حقوق مساوی داده، نه مشابه مردان، و از این طریق به ایشان شخصیت مستقل عطا کرده است. شرایطی که اسلام برای زن مهیا می‌کند امنیت و حفاظت در برابر مشکلات و شرایط نامساعد است. این محافظت و توجه با طبیعت زن سازگاری دارد. گاهی با اشاراتی به آیات قرآن و روایات درباره برتری مردان و ضعف زنان، حقوق برابر زنان به چالش کشیده می‌شود. با اشاره‌ای کوتاه، می‌توان گفت این برتری به وظایف اقتصادی مردان مربوط می‌شود و به معنای برتری نیست. مسئولیتی است که بر مرد وارد شده است و در همین حد که در حوصله موضوع متن نمی‌گنجد از آن عبور می‌کنیم و به چند نکته حائز اهمیت درباره امتیازات زنان در مقابل بعضی محدودیت‌ها اشاره می‌شود که مردان از آن محروم هستند.

## ✚ زن گل است، نه کارگزار

اسلام وظیفه‌ای برای زن نسبت به مخارج زندگی قرار نداده است و اگر همسر داشته باشد شوهر و اگر دختر باشد پدرش این مسئله را بر عهده دارد. هم چنین به عنوان مادر، در نظر خداوند و اهل بیت<sup>(ع)</sup> دارای ارزش بیشتری است. «بهشت زیر پای مادران است.» سه چهارم مهر و محبت پسر در برابر یک چهارم برای پدر را جذب می‌کند. او می‌تواند تقاضای مهریه کند که تماماً متعلق به اوست. اگر بخواهد کار کند و درآمدی داشته باشد، آزاد است و ...

خداوند از روی مهر و محبت و بر اساس طبیعت زن و مرد، تقسیمات را عطا کرده است. بنابراین اگر چه زن در برخی زمینه‌ها محدود شده، در سایر زمینه‌ها جبران شده است و جنسیت او هیچ نقشی در استقلال و ارزش او ندارد. «و لهن مثل الذی علیهن بالمعروف.» زنان همان حقوقی را دارند که مردان دارند. مقام زن در اسلام خاص و منحصر به فرد است. «المرأه ریحانه و لیست بقهرمانه.» زن گل است،

نه کارگزار. در تفسیر این روایت، رهبر معظم انقلاب می‌فرمایند: «در جامعه ما متأسفانه به تبع خیلی از جاهای دنیا، شأن زن شناخته نشده است. در نظر اسلام و در نگاه کلی‌ای که اسلام دارد، زن همان است که در این جمله «المرأه ریحانه و لیست بقهرمانه» است، مثل یک گل. یک گل وجودش لازم است و نگهداری‌اش لوازمی دارد: و لیست بقهرمانه. منظور از قهرمان، این قهرمان متعارف ما نیست. قهرمان یعنی کارگزار، یعنی در واقع رئیس خدمه. این جوری نیست که خانم در خانه شما مسئول خدمتگزاری باشد، حالا ولو به عنوان رئیس خدمه. قضیه این نیست. و لیست بقهرمانه. قهرمان در تعبی‌رات عربی و در اصطلاحات رایج ادبیات عرب عبارت است از آن کسی که ملک شما را برایتان اداره می‌کند. یعنی کارهایتان را انجام می‌دهد. وقتی شما صاحب یک ملکی هستید، یک قهرمانی دارید. می‌گوید زن این جوری نیست. حالا شما ببینید اگر در یک خانواده‌ای، در یک جامعه‌ای، به زن با این چشم نگاه بشود، اولاً تکریم او، حفظ حرمت او، برخورد ملاطفت‌آمیز با او و مسائل فراوانی که دنبالش هست، چقدر موجب می‌شود که زن احساس امنیت کند، احساس آرامش کند.»

## ✚ کارخانگی راجح دهم

بنابر آنچه در روایت و فرمایشات هست می‌توان نتیجه گرفت: ۱- کار زن در خانه محترم و ارزشمند است و نباید کم‌ارزش تلقی شود. ۲- انجام امور خانه وظیفه زن نیست که اگر انجام نشد مرد طلبکار باشد. ۳- زن بابت زحماتی که در خانه می‌کشد می‌تواند از مرد مزد دریافت کند. ۴- مخاطب این روایت مردان هستند که حفظ شأن لطافت و گل بودن زنان در تمام عرصه‌ها از سیستم آموزشی و اداری گرفته تا خانه بر عهده مردان است. در عصری که زنان علاوه بر امور منزل، تربیت و آموزش فرزندان، وظیفه خرید و کمک اقتصادی در امور مخارج خانه چه با اشتغال و چه با مدیریت جهادی، کنترل هزینه‌ها را بر عهده گرفته‌اند، شایسته است از عالمان دینی این مطالبه را داشته باشیم که در کنار تذکرات اخلاقی و دینی مانند «آی خانم‌ها! اقتدار مردان‌تان را حفظ کنید.» بگویند: «آی آقایان! لطافت و گل بودن زنان‌تان را حفظ کنید.»

ریحانه

ملیحه غبور  
مدیر  
مشارکت‌های  
بانوان  
حفظ ارزش‌های  
دفاع مقدس  
استان خراسان



(۳)

۱۵ آذر ۱۴۰۰  
آشنیه  
آدمای‌الاول ۱۴۴۲ شماره ۲۵۴۷

شهربانو

شهر



# پسرانم دوست داشتند نامشان مخفی باشد

مادر شهیدان «بختی»، تربیت پیش از بارداری را ضرور می‌داند

تجربه



سعدیه آل‌ابراهیم  
روزنامه‌نگار

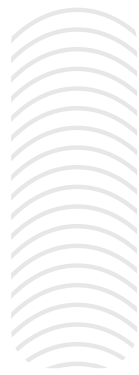
مصطفی و مجتبی بختی، اولین برداران شهید مدافع حرم هستند. مجتبی متولد سال ۶۷ و مجرد بود و مصطفی متولد سال ۶۱، متأهل و صاحب ۲ فرزند دختر. هردو شان چند سالی می‌شد که گذرنامه‌هایشان را برای رفتن به سوریه آماده کرده بودند، اما ناچار بودند با هویت افغانستانی از قم به سوریه بروند. مادرشان، خدیجه بختی، که غیر از ۲ پسر، یک دختر نیز داشت، معتقد بود فرزندان فرشته‌هایی هستند که خداوند به ما امانت می‌دهد. پسران او قصدشان دفاع از حرم بود و خدیجه مادر بود و عاشق. نمی‌شود که مادر از بچه‌هایش سیر شود، اما او آن قدر بچه‌هایش را دوست داشت که می‌خواست به آنچه دلشان می‌خواست برسند. «آگاهانه راضی به رفتنشان شدم. یعنی می‌دانستم ممکن است شهید شوند. خودشان هم آرزوی شهادت داشتند اما راضی به رضای خدا بودم. بچه‌هایم برای رفتن بی‌تاب بودند و خودم از امام رضا<sup>(ع)</sup> خواستم بچه‌هایم طلبیده شوند.»

این مادر شهید بر این باور است که خیلی از مردم با منش شهدای مدافع حرم کمتر آشنا هستند. «پسرانم هردو کار می‌کردند و شرایط ایده‌آلی برای زندگی داشتند. مصطفی در آستان قدس رضوی مشغول به کار بود و حقوق قبول شده بود. مجتبی نیز خود را برای ارشد حقوق آماده می‌کرد. حتی با نام‌های جعلی برای جنگ رفتند. این موضوع باید اتمام حجتی باشد برای بعضی افراد که با سوءظن به فلسفه جهاد نگاه می‌کنند.»

می‌گوید: باید تربیت بچه‌ها پیش از بارداری آغاز شود و مادران الگوی خوبی برای بچه‌هایشان باشند زیرا پدران حضور کمتری در خانه دارند و وظیفه‌شان تهیه لقمه حلال است. سال ۹۴ پس از به شهادت رسیدن این برداران در عملیات آزادسازی تدر، به علت مجهول بودن هویتشان، آن‌ها را به قم اعزام می‌کنند و پیکرها را در حرم حضرت معصومه<sup>(س)</sup> طواف می‌دهند. سرانجام، همان روزی که پیکرها به مشهد منتقل می‌شوند، دختران مصطفی خانه را برای تولد پدر آماده کرده بودند که متوجه شهادتش می‌شوند.

مصطفی و مجتبی بختی در قطعه شهدای بهشت رضا<sup>(ع)</sup> به خاک سپرده شده‌اند.





عکس: سانا صفائی / شهر آرا

گفت‌وگو با بانوسکینه سادات پاد، وکیل پایه یک دادگستری و فعال حقوق بشر

## چشم‌انداز روشن و حمایت‌های ویژه از زنان

مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بانوان از بحث‌های مهم کشور است که این روزها با دسترسی آسان به فضای مجازی، می‌توان نظرات مختلف، تحلیل‌ها و نقدها را رصد کرد. اما در شرایطی که هر کارشناس یا غیرکارشناسی می‌تواند صفحه‌ای شخصی برای خود داشته باشد و از زاویه دیدی متفاوت، صحیح یا ناصحیح به مسئله زنان بپردازد، شاید جای خالی شبکه‌ای منسجم برای آگاهی بخشی به دختران جوان بیشتر دیده می‌شود. هم‌اکنون بین دیدگاه‌های مختلف این بحث جای مناقشه دارد که کدام مسئله زنان در اولویت است. سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان، مدیران اجرایی و پژوهشگران چه چیزهایی را باید خط اصلی کارهای خود قرار دهند؟ آیا برنامه‌های کاربردی در این حوزه به نتیجه رسیده‌اند؟ توانمندی زنان تا چه اندازه دیده شده است؟ آیا در سطح بین‌المللی توانسته‌ایم پیشرفت‌های جامعه زنان را در ۴ دهه اخیر نشان دهیم؟ به همین بهانه و پاسخ به پرسش‌های متعدد، گفت‌وگویی داشتیم با بانوسکینه سادات پاد، فعال سیاسی و فعال حقوق بشر زنان، که سال‌ها در حوزه‌های مختلف بانوان کار کرده است.



حمیده وحیدی

است این مسئله ماست. آیا ما توانستیم الگویی به دنیا معرفی کنیم؟ آیا این مسئله را فقط در مقاله‌ها و در نوشته‌ها و آمارها فریاد زدیم یا زن ایرانی احساس می‌کند به حقوقش رسیده است؟ اگر در محاکم وارد می‌شوید، وقتی با زن ایرانی صحبت می‌کنید، به این نتیجه می‌رسید که قانون اساسی به درستی درباره‌اش اجرا شده، پس به حقوقش رسیده است؟ من بسیاری از مشکلات را در سیاست‌گذاران می‌بینم.

**+** یعنی فکر می‌کنید بین سیاست‌گذاران و زنان فاصله ایجاد شده است؟

این روزها در اتفاقی شیشه‌ای زندگی می‌کنیم و همه دنیا یکدیگر را می‌بینند. بنده مردم و زنان را بسیار آگاه می‌دانم. مسئول دیگر همه چیزدان نیست. زنان می‌خواهند حقوقشان را مطالبه کنند. نمی‌شود به آن‌ها چیزی را دیکته کرد و توقع داشت آن را بخوانند و به راحتی قبول کنند.

**+** قانون اساسی تنظیم شده در ابتدای انقلاب درباره زن دقیقا چه می‌گوید؟ می‌دانید که این روزها رسانه‌های زیادی تلاش می‌کنند با سیاه‌نمایی، حقوقی را که برای زنان در نظر گرفته شده است نادیده بگیرند. در قانون اساسی ما در کنار مقام پرج‌و قرب مادری، به سایر نقش‌ها نیز تأکید شده است. مقنن قانون اساسی می‌داند که زن در نقش‌های مختلف می‌تواند مداخله مستقیم داشته باشد. بنابراین ریل‌گذاری سیاسی باید به سمتی باشد که هم بتواند در جامعه به نقش مادری و ذاتی و همسری‌اش بپردازد و هم خودش را در اجتماع ببیند. در نظر داشته باشید شاخص‌ها در این ۴۰ سال نشان می‌دهد در همه زمینه‌ها رشد کرده‌ایم.

**+** پس مشکل را در چه می‌دانید؟ آن هم با توجه به اینکه دست‌کم در دانشگاه‌ها زنان رشد چشمگیری را در سطوح عالی رقم زده‌اند.

جایگاه زنان در همه حرف‌ها رشد کرده است اما اینکه این تعریف هم‌راستا با انقلاب اسلامی

**+** فکر می‌کنم به اندازه کافی این روزها مشکلات بانوان را در مسائل مختلف شنیده باشیم و نیازی نباشد درباره‌اش جزء به جزء صحبت کنیم. به عنوان یک فعال سیاسی که در سطح بین‌المللی نیز می‌کوشید از حقوق مردم و زنان ایرانی دفاع کنید، ریشه اصلی اختلافات داخلی ما را در درک مشکلات جامعه زنان چه می‌دانید؟

نمی‌توانیم عقبه تفکری را که اولین بار زن را در اجتماع دید قیچی کنیم. اینکه نوع نگاه امام خمینی (ره) به عنوان معمار انقلاب به زن چه بوده است مهم است. همگی می‌دانیم نهضت ایشان یک نهضت اساسا اسلامی و فرهنگی بود و ایشان صراحتا به حضور اجتماعی زن تأکید کرد. تبلور نگاه حضرت امام (ره) را در قانون اساسی می‌بینیم. قانون‌های اساسی نوعا برآمده از انقلاب‌ها هستند. در قانون اساسی‌ای که به دستور ایشان از سوی شهید بهشتی تنظیم شد، حضور زن دیده شد نه به عنوان ابزار، بلکه به عنوان کسی که باید در مقدرات کشور نیز سهیم می‌بود.





# گرامیداشت‌ها را برای سازندگی به کار بگیرید

روز دانشجو را به برگزاری چند همایش فرو نکاهیم



دکتر مهتاب علی‌نژاد  
جامعه‌شناس

در تقویم‌ها برای گرامیداشت برخی مناسبت‌ها روزهای مشخصی تعیین شده است. اصل موضوع نام‌گذاری در تقویم برای گرامیداشت اندیشیدن و در باقی ماندن آن رویداد در خاطره جمعی است. روزها و رویدادها از طریق یادآوری‌های سالشمار در خاطره همه افراد جامعه باقی می‌مانند. به همین دلیل به حفظ انسجام اجتماعی و یادآوری هویت و فرهنگ جامعه کمک بسیاری می‌کنند. باین حال، چگونه می‌شود که در گذر زمان اصل اندیشه‌ورزیدن و توجه‌دادن به دست‌فراموشی سپرده می‌شود یا جامعه از یاد می‌برد که نام‌گذاری برای گرامیداشت است، نه عرض تبریک. در گرامیداشت ویژگی مهمی وجود دارد که در تبریک گفتن وجود ندارد. گرامیداشت هم نام را زنده نگه می‌دارد و هم چرایی و چگونگی آنچه گذشته است و آنچه باید حفظ شود را به خاطر می‌آورد. روز دانشجو از همین روزهاست که می‌توان به ابعاد مختلف آن اشاره کرد.

## نیاز به تفکر را به برگزاری جشن بی‌تفکر تقلیل ندهید

روز دانشجو در تقویم هر سال باید روزی برای توجه کردن به دانشجو باشد، اما این گرامیداشت ضروری در جامعه به روزی برای جشن و هدایای مادی و تبریک‌های فضای مجازی تقلیل یافته است. بعضی دانشگاه‌ها یا خانواده‌ها که بخواهند کمی اندیشه‌ورزانه به ماجرا نگاه کنند، نهایت در کنار خرید هدیه و توزیع شیرینی یک جشنواره پژوهشی یا علمی نیز برگزار می‌کنند که خوب است، اما از کاستی‌های ریشه‌دار اندیشه‌ورزی درباره دانشجو و چرایی دانشجوی شدن نمی‌کاهد و ترمیم‌کنندگی ندارد. این تقلیل‌دهندگی روندی بلندمدت است که به‌مرور اصل اندیشه‌ورزی برای بهبودبخشی به وضع دانشجو و دانشجویی را به حاشیه برده و مفهوم دانشجو و چرایی ایجاد دانشگاه و به تبع آن شکل‌گیری نقش دانشجو را در غبار و برخاسته از همه‌جشن‌ها و سطحی‌انگاری‌های اجتماعی گم کرده است. این در حالی است که روز دانشجو همه رسانه‌ها و دانشگاه‌ها و خانواده‌ها باید به این امر مهم بپردازند که چرا افرادی در یک جامعه دانشجوی بودن را انتخاب می‌کنند و آیا چرایی دانشجوی شدن با دلیل اصلی ایجاد دانشگاه‌ها تناسب دارد یا نه.

## دانشجویی نیاز ضرور زندگی در عصر کنونی است

تاریخ دانشگاه‌ها می‌گوید دانشگاه

جدی مدیریتی و سیاست‌گذاری در هماهنگ کردن میزان رفاه اجتماعی متناسب با منزلت افراد وجود دارد و بحران‌های اقتصادی نیز بر دشواری شرایط دامن می‌زند، نمی‌شود از کوتاهی نهادهای آموزشی در تنظیم آموزش‌های لازم به دانشجویان به این سادگی‌ها گذشت. همان‌طور که روز دانشجو به جای اندیشه‌ورزی و حل مشکلات آموزش در دانشگاه و ایجاد شرایط متناسب با منزلت دانشجویی به برگزاری مراسم‌های مادی تنزل یافته است، در مفاد آموزشی نیز تقلیل‌یافتگی‌های جدی مشهود است. مثلاً آموزش مهارت‌های زندگی به ارائه چند واحد بسیار مختصر با عناوینی مانند تنظیم خانواده و مانند آن تقلیل یافته است که آن هم به عنوان

دروس عمومی و پیش‌پا افتاده ارائه می‌شود. در کنار چگونگی‌مهندس شدن، چگونگی‌پزشک شدن و چگونگی‌معلم شدن، چگونگی زندگی سالم داشتن و چگونگی مهارت‌های اجتماعی را در زندگی روزمره به کار بستن آموزش داده نمی‌شود. جای خالی آموزش مهارت‌های برقراری ارتباط مؤثر، مهارت‌های تعامل سازنده با جنس مقابل، مهارت‌های همسرداری و تقسیم وظایف نقش زن و مرد متناسب با نیاز زندگی در دنیای پیچیده امروز در واحدهای درسی دانشگاهی خالی است. دانشجویان فنی‌مهندسی و پزشکی مباحثی درباره شناخت‌شناسی و خودشناسی فردی و اجتماعی نمی‌خوانند و دانشجویان گروه علوم انسانی مباحثی درباره چگونگی کارآمد و کاربردی کردن آنچه را که در کتاب‌های می‌گیرند، نمی‌خوانند. اگر این دانشجویان پس از ورود به زندگی اجتماعی به دلیل مشاهده روزافزون آمار طلاق از ازدواج گریزان هستند یا با وجود همه مشکلات اقتصادی و کاستی‌های خودشناسی و جامعه‌شناسی ازدواج می‌کنند و سپس به دلیل نبود مهارت همسان‌سازی و تعامل و تاب‌آوری در بحران، طلاق می‌گیرند، به تحصیلات زنان با آگاه‌شدن آنان یا ساخت‌گیری‌های زنانه در مسیر ازدواج ارتباطی ندارد، بلکه به این مربوط است که آنان فراتر از آگاهی‌اند دانششان را با زندگی روزمره گره بزنند و نمی‌دانند مهارت زندگی روزمره مانند دانش مهندسی و زمین‌شناسی آموختنی است. حتی اگر تصور کنید که به این مهم آگاه شوند،

و تحصیل در ابتدا امری مردانه بوده است، اما سیاست‌گذاران عمومی به‌مرور آموخته‌اند که جامعه از ۲ جنس زن و مرد تشکیل شده است و حذف زنان از آموزش و دانش به معنی حذف پرورش اصولی از نسل‌فرزندان است که این زنان می‌پرورانند. در واقع مادر اندیشه‌ورز برای بقای سلامت جامعه ضروری است، چه اینکه درهای دانشگاه روی زنان نیز به‌سختی و دیرتر از مردان، اما براساس نیاز جامعه گشوده شد تا این قسمت ماجرا با همه دشواری‌ها مفید و کارآمد شود. اما چرا به‌مرور دانش‌اندوزی و دانشجویی در جامعه ما در مسیر کاسته شدن از ارزش اجتماعی تحصیل و دانش قرار گرفت؟ آیا نفس دانشگاه رفتن یا دانشجوی شدن است که مشکل‌ساز است؟ خیر. علل بسیاری وجود دارد که از حوصله نوشتار حاضر خارج است.

## نقص در کیفیت آموزش، به جنسیت زنانه ارتباطی ندارد

در اینجا صرفاً به اساسی‌ترین معضل حوزه تحصیل زنان می‌پردازم. یکی از مشکلات عمده‌ای که امروزه در حوزه خانواده با آن روبه‌رو هستیم، افزایش میزان طلاق میان زوج‌های تحصیل‌کرده است؛ اما آیا این صرفاً به تحصیلات زنان و به قول برخی سیاست‌گذاران به متوقع شدن زنان مربوط می‌شود که ناشی از آگاهی آنان از حقوق اجتماعی‌شان است یا به کیفیت سطح آموزش در مدرسه و دانشگاه نیز ربط دارد؟ جدا از اینکه نقص‌های

سال‌های جوانی‌شان که در دانشگاه گذشته است، چه اندازه با مباحث مهارت‌های زندگی به صورت کاربردی مانند شناخت‌شناسی و توسعه فردی یا جامعه‌شناسی و ارتباطات به صورت اندیشه‌ورزانه درگیر بوده است؟! واحد میانی جامعه‌شناسی و روان‌شناسی چگونه می‌تواند مهارت زندگی را همسان و همگام با مهارت تخصصی شغلی پرورش دهد؟! افزایش میزان طلاق در میان زنان تحصیل‌کرده نه به دلیل تحصیلات و دانشگاه رفتن، بلکه به دلیل بی‌کیفیتی دروس دانشگاهی و متناسب نبودن برنامه‌های درسی دانشگاه‌ها با زندگی در عصر ارتباطات است.

## همیشه کشف راهکار، کارآمدتر از متهم‌سازی سطحی است

اگر جامعه با سیاست‌گذاری‌های متناسب با نیاز زنان در زندگی اجتماعی دنیای پیچیده امروز، برای انسان تسهیلات و حقوق اجتماعی و انسانی در نظر بگیرد و دانشگاه‌ها با افزایش سطح کیفی برنامه‌های درسی در کنار تخصص شغلی، سال‌های تحصیل را به امری کارآمد برای زندگی روزمره ارتقا دهند، دیگر نیازی به متهم‌یافتن و نقد دانشگاه رفتن زنان نیست. این کسب دانش نیست که مخاطره‌آمیز است، بلکه نا کارآمدی سیاست‌گذاری‌ها در برنامه درسی است که کفه‌های ترازوی تخصص شغلی و دانش زندگی را همسان نکرده است. برای گرامیداشت روز دانشجو باید به افزایش کیفیت و کاربردی کردن فضای آموزشی دانشگاه‌ها توجه کرد، زیرا کاستی‌های جدی در حوزه تشخیص و ارائه دروس، هردو جنسیت زنانه و مردانه را بدون مهارت‌های لازم برای زندگی اجتماعی پرورش داده است. استادان و متخصصان رشته‌های متعددی که در حوزه شغلی‌شان سرآمدند، اما در زندگی خانوادگی با چالش‌های جدی روبه‌رو هستند و ناتوان از حل مسئله، از جمله مستندات بررسی حاضر است. تحصیلات به‌ویژه برای دختران که قرار است مادران این جامعه باشند، از ضروریات است. دنیای امروز و فرزند امروز مادر کم‌سواد و بی‌دانش را بر نمی‌تابد. کیفیت آموزش در دانشگاه‌ها باید منطقی و همسان‌سازی شده با نیاز امروز باشد.

## مسیر کاهش آسیب‌های اجتماعی و فساد با رویکرد به توانمندسازی زنان



ریحانه صادقی  
مترجم

سازمان همکاری‌های اقتصادی آسیا-پاسفیک (اپک) در تفهیم‌نامه سیاست‌گذاری‌اش، که در ماه مارس امسال منتشر شد، به ارتباط توانمندسازی زنان با کاهش فساد پرداخته است. در آستانه روز جهانی «مبارزه با فساد» هستیم و خالی از لطف نیست نگاهی به این تفهیم‌نامه بیندازیم. در ادامه، متن این تفهیم‌نامه به‌طور خلاصه آورده شده است:

فساد در سرتاسر دنیا مشکلی اساسی است. سازمان همکاری‌های اقتصادی آسیا-پاسفیک در اعلامیه سال ۲۰۱۴ خود در پیچینگ درباره مبارزه با فساد بر این مسئله تأکید کرد که «فساد مانع پایداری و توسعه اقتصادی است، امنیت و عدالت اجتماعی را تهدید و حاکمیت قانون را تضعیف می‌کند و وجهت دولت‌ها و اعتماد مردم به آن‌ها را تحلیل می‌برد». فساد را به‌طور کلی می‌توان با عنوان سوءاستفاده از جایگاه قدرت برای منافع شخصی تعریف کرد. فساد به اشکال مختلف ظاهر می‌شود و در سطوح مختلف وجود دارد. بااین حال، همه اشکال فساد مناسبات مشتری‌کی دارد: همه آن‌ها اعتماد عمومی به نهادها را تحلیل می‌برند و زمینه‌ساز به‌وجودآمدن محیطی آکنده از مسامحه و عاری از وجهت می‌شوند. به همین سبب است که دولت‌های باید با فساد در همه سطوح مبارزه کنند.

ناهمسانی در قدرت موجب تشدید تأثیر منفی فساد در همه گروه‌های متنوع مردمی می‌شود. تأثیرات منفی فساد بر افراد فقیر و آسیب‌پذیر بیشتر هم هستند. فساد سبب به‌تأخیرافتادن یا مخدوش شدن دسترسی این گروه به خدمات کیفی، از قبیل خدمات سلامت، آموزش و امنیت اجتماعی می‌شود و در نتیجه، گزینه‌های تحرک اجتماعی را محدود می‌کند. عاملان فساد همچنین می‌توانند از طریق انجام اعمال تبعیض‌آمیز از قبیل امتیاز دادن به گروه‌های خاص یا هدف قرار دادن یک گروه، سبب تشدید نابرابری‌های موجود شوند. این نبود توازن قدرت در حوزه جنسیت نیز تأثیرگذار است و تأثیری را که مردان و زنان از فساد می‌پذیرند، از هم متمایز می‌کند.

### تأثیر جنسیت‌محور فساد

تأثیر متقابل جنسیت و فساد به‌هم‌درآمیخته با عوامل متعددی است، اما طبق تعریف ارائه‌شده سازمان ملل متحد در سال ۲۰۲۰، به‌طور کلی زنان به ۲ دلیل اصلی نسبت به مردان در ابعاد گسترده‌تری از فساد تأثیر می‌پذیرند:

۱. زنان به‌موجب هنجارهای فرهنگی موجود، قدرت اجتماعی اقتصادی کمتری دارند. زنان گاهی به‌سبب کلیشه‌های جنسیتی سنتی، گزینه‌های شغلی محدودتری دارند. برای مثال، مفاهیم سنتی مانند نقش‌های جنسیتی می‌تواند سبب محدود شدن فرصت‌های اقتصادی موجود و در دسترس برای زنان شود. در برخی مشاغل نیز زنان ممکن است به کلی خارج از دایره افراد واجد شرایط برای احراز موقعیت‌های شغلی بالاتر قرار داده شوند. چنین عواملی سبب محدود شدن فرصت‌های اقتصادی زنان و پویایی آن‌ها می‌شود.

۲. زنان از خدمات عمومی خاصی استفاده می‌کنند که احتمال وجود فساد در آن‌ها متداول‌تر است. زنان بیشتر نقش مراقبتی اصلی را در خانواده دارند و این بدین معناست که آن‌ها بیشتر از مردان به استفاده از خدمات اجتماعی مختلف نیاز پیدا می‌کنند.

به‌علاوه، زنان از حقوقشان و چگونگی به‌دست آوردن آن‌ها آگاهی کمتری دارند و این سبب آسیب‌پذیرتر شدن آن‌ها می‌شود. همچنین، علاوه بر روش‌های معمول اعمال فساد از طریق پرداخت پول در ازای دسترسی به کالا یا خدمات، زنان در معرض مواردی همچون اخاذی جنسی (sextortion) نیز قرار دارند؛ به این معنا که ممکن است از آن‌ها خواسته شود از جنسیتشان به‌عنوان سرمایه فساد استفاده کنند.

توانمندسازی زنان به‌عنوان بخشی از یک راهبرد ضدفساد از آنجا که ناتوانمندسازی (disempowerment) در مقابل توانمندسازی (empowerment) سبب آسیب‌پذیرتر شدن افراد در برابر فساد می‌شود، توانمند ساختن زنان را می‌توان یکی از راه‌های کاهش فساد در جامعه در نظر گرفت. برای مثال، حضور بیشتر زنان در دولت‌ها و بدنه سیاست‌گذاری کشورها می‌تواند راه انجام اقداماتی برای بررسی و توجه به فساد جاری نسبت به زنان را هموارتر کند. همچنین، افزایش حضور زنان و مشارکت اجتماعی آن‌ها نیز می‌تواند از طریق به‌وجود آوردن نوعی نظام نظارت و تعادل (و توازن قدرت) سبب بهبود کیفیت نهادها و سازمان‌ها شود.

فساد به زبان ساده از طریق شبکه‌های ارتباطی اجتماعی، به‌معنای شبکه ارتباطات بین کنشگران (افراد، گروه‌ها یا سازمان‌ها) اتفاق می‌افتد. این شبکه‌های ارتباطی اجتماعی هستند که سبب تشدید ناهمسانی‌های قدرت از قبیل نابرابری‌های جنسیتی می‌شوند.

اگرچه زنان نیز ممکن است در اعمال فساد مشارکت کنند، آن‌ها طبق سنت به‌عنوان بازیگران کمتر قابل اعتماد در این دادوستدهای فاسد در نظر گرفته می‌شوند. به همین سبب، برخی این‌طور استدلال کرده‌اند که حضور بیشتر زنان در کرسی‌های قدرت می‌تواند در برچیدن شبکه‌های فساد مؤثر باشد، زیرا زنان امکان انجام وقوع رفتار فاسد را دشوار می‌کنند یا دست کم تصور می‌شود که این‌طور عمل خواهند کرد.

منبع: وب‌سایت رسمی «سازمان همکاری‌های اقتصادی آسیا-پاسفیک»



## شهربانو

۲۳ شنبه  
۱۵ آذر ۱۴۰۰  
اجمعی اول ۱۴۴۲ شماره ۳۵۷۲

(۷)



## ایراندخت

نقیسه زمانی  
فصل فرهنگی



## سیده ملک‌خاتون نخستین زن حکمران شیعه

ایران زمین زنان و مردانی زاده است که نامشان با تاریخ جاودانه شده است. از میان زنان مؤثر این خاک و بوم می‌توان از شیرین دخت نام برد. وی فرزند اسپهبد رستم باوندی بود و در طبرستان دیده به جهان گشود. او را شیرین دخت اسپهبد رستم طبری نیز می‌خواندند. چون به سن ازدواج رسید، به همسری فخرالدوله دیلمی، از شاهان آل بویه، در آوردند و این چنین شیرین دخت اسپهبد رستم طبری که شیعه دوازده‌امامی نیز بود لقب سیده خاتون را گرفت. فخرالدوله را وزیر بود به نام صاحب‌بن عباد که چون در گذشت، سیده خاتون در نقش مشاور سیاسی همراه همسر در امور درباری شد و گرچه امور دربار و دیوان به ۲ تن از کارگزاران گذاشته شده بود، سیده خاتون نظارتی مستقیم و کامل بر عملکرد آنان داشت. سیده خاتون در اردوگاه نظامی نیز حضور پیدا می‌کرد و محبوب لشگریان بود. همچنین بر امور مالی و مالیات نیز نظارت می‌کرد و کلید خزانه فخرالدوله تا زمان حیات شاه دیلمی در دست این زن امین بود. عنصرالمعالی کیکاووس بن اسکندر در وصف وی می‌نویسد: زنی ملک‌زاده و عقیقه و زاهد بود.

بانو برای شوی خود ۲ پسر به نام ابوطاهر و ابوطالب به دنیا آورد. دست سرنوشت چنان نوشت که فرزندان فخرالدوله دیلمی در خردسالی پدر خود را از دست دادند و چون این ۲ تن کوچک‌تر از آن بودند که حکمرانی ملک پدر کنند، سیده خاتون حکومت را به امانت در دست گرفت و بدین‌گونه بانو را سیده ملک خاتون خواندند. بانو از شعبان سال ۳۸۵ تا ۴۰۷ هجری قمری به طور رسمی حکمرانی اراضی همسر را در دست داشت. او اولین زن شیعه‌ای شناخته می‌شود که حکمرانی به وی واگذار شده است. این‌طور که در اسناد تاریخی ذکر شده است، سیده ملک خاتون از فخرالدوله نیز بهتر و شایسته‌تر حکمرانی می‌کرد. سمت جدید بانو مقام مادری را برایش کم‌رنگ نکرد بلکه در تربیت فرزندان چنان کوشا بود که استادان دانشمند و شیعه‌مذهب رشته‌های فلسفه و کلام را برای آموزش فرزندان فراخواند. ابوعلی سینا نیز مدتی نزد سیده ملک خاتون و فرزندش بود. این زن بزرگ بر همه امور حکومت تسلط کافی داشت و همه فرمان‌ها با صلاحدید او صادر می‌شد. ابوطالب، فرزند وی، با لقب مجدالدوله دیلمی، به تحریک اطرافیان، در همان سنین کم‌علیه مادر شورش کرد اما بانو با اقتدار تمام توانست شورش‌ها را به‌خوبی فرونشاند. چون فرزندان بزرگ‌تر شدند، حکومت ری را به مجدالدوله داد اما او به تحریک وزیرش، خواست دست سیده ملک خاتون را از مسائل دربار کوتاه کند که این بار بانو به همراهی حاکم کرد دینور، بدر حسنلو و گروهی از سرداران، توانست ری را تسخیر و مجدالدوله را بر کنار و ابوطاهر را با لقب شمس‌الدوله دیلمی بر تخت ری نشاند. درایت بانو به حدی بود که پس از چندی، دوباره مجدالدوله را به حاکمیت ری فرخواند و شمس‌الدوله را حاکم همدان کرد. در همین زمان بود که محمود غزنوی هوای تسخیر ری را در سر پروراند. نامه‌ای به بانو نوشت و از او خواست در ری به نام سلطان محمود خطبه بخواند و نام او را بر سکه ضرب زند اما سیده ملک خاتون در خطاب به وی، نامه‌ای نوشت که از اندیشه نبرد با پیرزنی بگذرد که شکست از او برایش رسوایی است و پیروز شدن نیز برایش افتخاری به همراه نخواهد داشت. سیده ملک خاتون، اولین حکمران شیعه‌مذهب زن، در سال ۴۰۷ هجری دارفانی را وداع گفت. کالبد این بانوی بادرایت در جاده خاوران تهران در مکانی معروف به زیارتگاه سیده خاتون به خاک سپرده شده است.



## پاسخ به پرسش‌های حقوقی بانوان



زهره شوشتری  
کارشناس حقوق

**در این ستون به پرسش‌های حقوقی مخاطبان عزیز که با پیامک یا تلفن ثبت شده باشد پاسخ داده می‌شود. مخاطبان گرامی می‌توانند برای اطلاع بیشتر، با روابط عمومی شهرآرا با شماره ۳۷۲۸۸۸۸۱ تماس بگیرند یا به شماره ۳۰۰۷۲۸۹ پیام دهند.**

**+** دخترم علاقه بسیاری به ادامه تحصیل در رشته حقوق و قضاوت دارد. می‌خواستم بدانم آیا دخترها هم می‌توانند قاضی شوند.

زنان با قبولی در آزمون قضاوت، با عنوان «قاضی» به دستگاه قضایی کشور وارد می‌شوند اما نکته مهم این است که با توجه به قانون و مبانی فقهی، زن نمی‌تواند به عنوان صادرکننده نهایی حکم قضاوت کند. در نتیجه، زنانی که با عنوان قاضی وارد دستگاه قضایی می‌شوند، در مناصبی همچون دادیار، بازپرس، مشاور دادگاه، مستشار، دادیار دیوان عدالت و معاون دادستان مشغول به کار می‌شوند، نه اداره‌کننده یک شعبه و صادرکننده رأی نهایی.

**+** در چه شرایطی مهریه به زن تعلق نمی‌گیرد؟ اصل کلی تعلق مهریه به زن است اما با وجود شرایط زیر، مهریه به زن تعلق نخواهد گرفت.

باشند، و در حالتی که زوجه دوشیزه (باکره) بوده و رابطه زناشویی میان آن‌ها برقرار نشده باشد، مهریه زن نصف می‌شود.

**+** در صورت مجهول‌المان بودن پدر، نفقه فرزند را می‌شود از پدر بزرگ پدری مطالبه کرد؟

مطابق قانون مدنی، نفقه فرزند بر عهده پدر است و در صورت تمکن مالی نداشتن پدر یا فوت او، پرداخت نفقه با جد پدری خواهد بود. در فرض سؤال، به نظر می‌رسد مجهول‌المان بودن پدر نمی‌تواند از دلایل اثبات عدم تمکن او در پرداخت نفقه فرزند باشد تا به استناد آن بتوان از جد پدری نفقه گرفت، اما این نکته را باید در نظر داشت که اگر مجهول‌المان بودن به مفقودالاثر بودن منتهی شود و مرجع قضایی درباره آن رأی صادر کند، برای دریافت نفقه می‌توان به جد پدری مراجعه کرد.



## شهربانو

۲۳ شنبه  
۱۵ آذر ۱۴۰۰  
اجمدهی‌الاول ۱۴۴۳ شماره ۲۵۶۷

(۸)

### شهرزاد

### نگار موقر مقدم

فعال فرهنگی



برادرش در لحظه لحظه زندگی‌اش دارد و از او با عنوان همراه و پشتیبانی خوب یاد می‌کند، به ویژه هنگامی که همسرش در جنگ است و او با چند فرزند، در خانه تک‌وتنهاست و آه در بساط ندارد.

در بخشی از خاطرات از زبان زینب آل نبی می‌خوانیم: فرزند دوم تازه متولد شده بود که همسرم بلافاصله به جبهه رفت. تابستان بود و به اندازه ۲ ماشین مهمان از مشهد به خانه‌مان آمده بودند. باید تنهایی از آن‌ها پذیرایی می‌کردم، آن‌هم در شرایطی که هیچ امکاناتی در خانه فراهم نبود! سید ابراهیم تازه از گرد راه رسیده بود که با دیدن آن همه مهمان، متوجه مشکلم شد! بی‌هیچ درنگی از خانه بیرون زد و دقایقی بعد، با دست پر به خانه برگشت. همه وسایلی را که نیاز داشتم فراهم کرده بود: نان، سبزی، گوشت و حتی نوشابه هم خریده بود! گفتم: «آقا ابراهیم، نوشابه دیگه اضافه!» ابرو بالا انداخت و گفت: «مهمونات از راه دور اومدن آبجی. باید بهترین پذیرایی رو ازشون داشته باشی.» بچه‌ها را نگه داشت. حتی پای دیگ غذا ایستاد و در آشپزی هم کمکم کرد. آن وقت نفسی راحت کشیدم و فکر کردم با اینکه همسرم در جبهه است، پشتیبان خوبی مثل سید ابراهیم دارم. مجموعه خاطرات کوتاه شهید آل نبی نمونه تمام عیار انسانی وارسته از دنیا و تعلقاتش است. او که فرماندهی مقتدر و منظم بود، به شوخ طبعی و خوش خلقی شهرت بسیار داشت و رشادت‌های بی‌پایانش، در زندگی ساده‌ای که داشت، در سرتاسر خاطرات کتاب هویدا است. در جایی دیگر از این کتاب، یکی از هم‌زمان شهید خاطره‌ای از او می‌گوید:

«حنا را در کلاه آهنی می‌ریخت و با آب قاطی می‌کرد. بوی حنا با دود آتش کنده‌های زیر دیگ درهم می‌آمیخت. صفایی داشت بیرون رفتن با آقا ابراهیم. در حالی که انگشت‌هایش را حنا می‌کرد گفت: پارو که حنا کنی، عرق نمی‌کنه. اون وقت پوست پا سفت می‌شه و اگه پوتین به پا نکنی، اذیت نمی‌شی. کمی حنا کف دستم ریخت و با خودم فکر کردم: شاید برای همین است که سید ابراهیم می‌تواند پا برهنه در منطقه راه برود چرا که پوست پایش مثل پوست پای ما با هر چیزی آزاده نمی‌شود. با این فکر، شروع به حنا کردن پاهایم کردم، مثل آقا ابراهیم! اما هیچ‌وقت نتوانستم مثل او با پای برهنه در منطقه راه بروم!»

شهید آل نبی در سال ۱۳۶۵ در حالی که معاونت تیپ ذوالفقار لشکر ویژه شهدا را برعهده داشت، در عملیات نصر ۸ مجروح شد و پس از چندی به درجه رفیع شهادت نایل آمد.

## پاهای برهنه در بهشت

نگاهی کوتاه به کتاب حنابندان

**+** همیشه و همه‌جا، اندیشیدن انسان به غیر از خود، برای دیگری، در قالب عشق و از خودگذشتگی مورد ستایش بوده است و هست. به همین دلیل، شاید به جرئت بتوان گفت علت پرداختن برخی نویسندگان به ادبیات حوزه دفاع مقدس و جنگ، یافتن همان عشق صادقانه و بی‌ریایی بوده است که از دیدگاه آنان، مخلصانه‌ترین از جان‌گذشتگی‌ها و رشادت‌ها را می‌توان در انسان‌های آن روزگار یافت.

«شهدا» انسان‌هایی که برای بهتر زیستن مردم سرزمینشان، به جنگ گریزن‌ناپذیری تن دادند تا با گذر از جان خود، بتوانند آینده‌ای بهتر برای دیگران فراهم کنند.

مریم عرفانیان، نویسنده پرکار خراسانی، نیز یکی از همان نویسندگانی است که رسالت اصلی‌اش را در نوشتن از ادبیات دفاع مقدس، توجه به این امر مهم می‌داند زیرا معتقد است خلوص نیت و پاکی را تنها می‌توان در زندگی شهدا پیدا کرد. کتاب «حنابندان» که مجموعه خاطرات و داستان‌هایی از زندگی سردار شهید سید ابراهیم آل نبی است، از زبان هم‌زمان و خانواده او، پدر، خواهر و برادر شهید نوشته شده است. حنابندان یکی از چندین کتاب خانم عرفانیان که به شیوه خاطره‌نویسی و گزارش به رشته تحریر درآمده است.

زینب، خواهر کوچک‌تر این شهید، خاطرات فراوانی از



حنابندان

• نویسنده: مریم عرفانیان

ضمیمه روزنامه شهرآرا  
صاحب امتیاز:  
شهرداری مشهد  
مدیرعامل  
سید میثم موسوی مهر  
مدیرمسئول  
سید هادی فیاضی  
سرمدیر:  
ارژنگ حاتمی  
مسئول ضمیمه  
حمیده وحیدی